

Research Article

The Relationship Between Coercive Control and Marital Satisfaction and Couple Burnout using the Actor-Partner Interdependence Model

Tahereh Fasdi¹ , Leili Panaghi^{2*}  & Mansoureh Sadat Sadeghi² 

1. M.A in Psychology- Clinical Family Psychology, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: Taherehfasdi@yahoo.com

2. Associate Professor, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: l_panaghi@sbu.ac.ir- m_sadeghi@sbu.ac.ir

Abstract

Aim: The purpose of the present study was to investigate the relationship between coercive control and marital satisfaction and couple burnout, utilizing the Actor-Partner Interdependence Model (APIM) due to the dyadic nature of the questions and purposes.

Method: The research design was descriptive and correlational. The sample group included all couples living in Iran with access to cyberspace. Ultimately, 113 couples (226 wives and husbands) in 2022 were selected through online and convenience sampling methods. The Controlling Behaviors Scale (Graham-Kevan and Archer, 2005), ENRICH Marital Satisfaction Scale (Olson and Fowers, 1993), and Couple Burnout Scale (Pines, 1996) were employed in this research. Data analysis was conducted using the Actor-Partner Interdependence Model to measure interpersonal and dyadic effects.

Results: The results indicated that coercive control perpetration by husbands was predictive of their own and their partners' marital satisfaction and burnout. However, in wives, coercive control perpetration was only predictive of their own marital burnout. Coercive control victimization in wives was predictive of their own and their partners' marital satisfaction and burnout, while in husbands, it was only predictive of their own marital satisfaction and burnout.

Conclusion: The findings underscore the significance of addressing coercive controlling behaviors in the evaluation and treatment of couples' relationship problems. It is recommended that couple therapists and psychologists design and implement appropriate interventions to improve couples' relationships, taking into account the effects of coercive control on marital satisfaction and burnout.

Key words: Actor-Partner Interdependence Model (APIM), Coercive Control, Couple Burnout, Marital Satisfaction

Citation: Fasdi, T., Panaghi, L., & Sadeghi, M. (2024). The Relationship Between Coercive Control and Marital Satisfaction and Couple Burnout using the Actor-Partner Interdependence Model. *Appl. Psychol*, 18 (1):107-130.

Published online:
20 March 2024

Accepted:
14 August 2023

Revised:
5 August 2023

Received:
1 May 2023

رابطه کنترل‌گری اجبارگونه با رضایت زناشویی و دلزدگی در همسران با استفاده از مدل وابستگی متقابل عامل - شریک

طاهره فصدی^۱، لیلی پناغی^{۲*} و منصوره سادات صادقی^۲

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی خانواده، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: Taherehfasdi@yahoo.com

۲. دانشیار، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. ایمیل: L_panaghi@sbu.ac.ir - m_sadeghi@sbu.ac.ir

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه کنترل‌گری اجبارگونه با رضایت زناشویی و دلزدگی در همسران بود که باتوجه به ماهیت سؤالات و اهداف، از روش وابستگی متقابل عامل - شریک بهره گرفته شد.

روش: طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی و همبستگی است. گروه نمونه شامل تمام زوجین ساکن در ایران بود که به فضای مجازی دسترسی داشتند. درنهایت ۱۱۳ زوج (۲۲۶ زن و شوهر) در سال ۱۴۰۱ و با روش نمونه‌گیری آنلاین و دردسترس انتخاب شدند. در این پژوهش مقیاس رفتارهای کنترل‌گرایانه (کوان و آرچر، ۲۰۰۵)، مقیاس رضایت زناشویی اتریچ (۳۵ سؤالی اولسون و فاووز، ۱۹۹۳) و مقیاس دلزدگی زناشویی (پاینز، ۱۹۹۶) مورد استفاده قرار گرفت. به منظور ارزیابی اثرات بین‌فردی و رابطه‌ای زوجین، تحلیل داده‌ها با مدل وابستگی متقابل عامل - شریک انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان دادند که اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه در شوهران، پیش‌بینی‌کننده رضایت و دلزدگی زناشویی در خود فرد و همسرانشان بود اما در زنان تنها پیش‌بینی‌کننده دلزدگی زناشویی در خود فرد بود. قربانی کنترل‌گری اجبارگونه بودن در زنان پیش‌بینی‌کننده رضایت و دلزدگی زناشویی در خود فرد و همسرانشان بود اما در شوهران تنها پیش‌بینی‌کننده رضایت و دلزدگی زناشویی خود فرد بود.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها حاکی از اهمیت تمرکز بر رفتارهای کنترل‌گرایانه اجبارگونه در ارزیابی و درمان مشکلات مربوط به روابط همسران است. پیشنهاد می‌شود تا روانشناسان و زوج‌درمانگران با در نظر گرفتن تأثیرات کنترل‌گری اجبارگونه بر رضایت و دلزدگی زناشویی، مداخلات مناسبی را در جهت بهبود روابط همسران طراحی کرده و به کار گیرند.

کلید واژه‌ها: دلزدگی همسران، رضایت زناشویی، کنترل‌گری اجبارگونه، مدل وابستگی متقابل عامل - شریک

استناد به این مقاله: فصدی، طاهره، پناغی، لیلی، و صادقی، منصوره سادات. (۱۴۰۳). رابطه کنترل‌گری اجبارگونه با رضایت زناشویی و دلزدگی در همسران با استفاده از مدل وابستگی متقابل عامل - شریک. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۱۸ (۱): ۱۳۰-۱۰۷.

مقدمه

رابطه زوجین از دو نفر تشکیل می‌شود که توجه به رشد فردی هر یک از همسران در موفقیت آن امری حیاتی به شمار می‌آید (باکوم، فیشر، کوری، وورل، بودینگ، ۲۰۲۰). عوامل متعددی در تحکیم بنیان خانواده تأثیرگذار هستند که از این میان می‌توان به رضایت از زندگی و رضایت زناشویی^۱ اشاره کرد (رجایی قاضیلو، شریعت‌مدار و فرخی، ۱۴۰۰). رضایت زناشویی پیامدهای مثبتی بر زندگی زناشویی دارد (مقدس علی، میرهاشمی و باقری، ۱۴۰۰)، به صورت احساس رضایت و خشنودی زن و شوهر از حیات زناشویی بینشان تعریف شده (امن، ابرس، نورانبی و بنو، ۲۰۱۹) و می‌تواند از طریق ارزیابی متغیرهایی از روابط زوجین پیش‌بینی شود (جبیین، ۲۰۱۹). باید در نظر داشت که روابط همسران به یکباره نابود نشده، با گذشت زمان و به دلایل عوامل متعددی به انتهای خط می‌رسد که بررسی آن‌ها امری حیاتی است (اسماعیلی‌فر، جاپروند، رسولی و حسنی، ۱۳۹۸). دزدگی یا فرسودگی زناشویی^۲ که اولین بار توسط پاینز مطرح شد (فرجی، ثنائی و نامور، ۱۴۰۰) معمولاً روندی تدریجی داشته (زارع‌باغبیدی و اعتمادی‌فر، ۲۰۲۰) و زمانی رخ می‌دهد که افراد عشق سحرآمیز مورد انتظار را از طرف مقابلشان دریافت نمی‌کنند (شیرین و دنیز، ۲۰۱۵) به نقل از پاینز، ۲۰۱۰). کریستیانا مسلش دزدگی را به نوعی از پافتادگی و رنج معنا می‌کند (کوتسیمانی، مونتگمری و جورجاتا، ۲۰۱۹).

بررسی‌ها نشان می‌دهند که مسائلی همچون خشونت بر جنبه‌های مختلف روابط همسران و کیفیت زندگی زناشویی تأثیرگذار هستند (نورحیاتی، فاترچمن و هلمی، ۲۰۱۹). خشونت از جمله عوامل بین فردی و مؤثر بر رضایت از روابط افراد محسوب می‌شود (همت، لائر، کارنی و بردبری، ۲۰۲۱)، براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی (۲۰۱۹) خشونت علیه شریک زندگی^۳ رفتارهایی در روابط صمیمانه است که منجر به آسیب جسمانی، روان‌شناختی و ... شده و می‌تواند آزار روان‌شناختی، خشونت جسمانی و رفتارهای کنترل‌گرایانه را نیز دربرگیرد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۹). طبق تحقیقات حدوداً ۵۷ درصد از زنان و ۵۰ درصد از مردان مورد خشونت علیه شریک زندگی قرار می‌گیرند که در این میان، خشونت علیه شریک زندگی از نوع روان-شناختی، بالاترین میزان را دارد (جود، غرف، مشکوا، کاومان، میسن و همکاران، ۲۰۲۲). این نوع از خشونت مواردی همچون کنترل کردن شریک زندگی و یا ارتباطات کلامی و غیرکلامی آزاردهنده هیجانی را دربرمی‌گیرد (بریدینگ، باسیل، اسمیت، بلک و ماهندرا، ۲۰۱۵). در ایران

¹ marital satisfaction² couple burnout³ intimate partner violence

نیز خشونت خانگی از نوع هیجانی با حدود ۶۴ درصد، بیشترین آمار را به خود اختصاص می‌دهد (صفاری، ارسلان، یکانی‌نژاد، پاکپور، ال‌زبن و همکاران، ۲۰۱۷، صفحه ۳).

بر اساس مطالعات مباحث قدرت و کنترل‌گری انگیزاننده‌های اصلی رفتارهای آزارگرایانه بوده (اسکات، ۲۰۱۸). در تمایز انواع مختلف خشونت علیه شریک زندگی باید پویایی‌های کنترل‌گری افراد در نظر گرفته شوند (عالی، دینگرا و مک‌کری، ۲۰۱۶) و هسته اصلی این پدیده به سلطه‌گری^۱ و کنترل یا کنترل‌گری اجبارگونه^۲ اشاره دارد (همبرگر، لرسن و لهنر، ۲۰۱۷). کنترل‌گری اجبارگونه به صورت استفاده دائمی افراد از تاکتیک‌هایی برای کنترل همسر یا شریک زندگی و محدود کردن آزادی‌های وی تعریف می‌شود (هاردستی، کراسمن، هازلورت، رافائلی، اگولسکی و همکاران، ۲۰۱۵). به نقل از استارک، (۲۰۰۷). در این شرایط کنترل و اجبار هم‌زمان رخ داده، «موقعیتی از عدم آزادی» و تجربه‌ای شبیه به «در تله افتادن» برای فرد ایجاد می‌شود (استارک و هستر، ۲۰۱۹). به نقل از استارک (۲۰۰۷).

کنترل‌گری و خشونت علیه شریک زندگی تأثیرات منفی بر سلامت روان افراد دارند (لووستاد، لوو، واز و کرانتز، ۲۰۱۸). مسائل مربوط به نقش‌های جنسیتی، خصوصیات شخصیتی و آسیب‌های روانی از جمله موارد تسهیل‌کننده یا ایجادکننده کنترل‌گری اجبارگونه بوده (همبرگر و همکاران، ۲۰۱۷) و حالاتی همچون ترس، اضطراب از رایج‌ترین اثرات روان‌شناختی مربوط به این پدیده محسوب می‌شوند (بی‌شاپ و بتینسون، ۲۰۱۸). مباحث مرتبط با قدرت و کنترل‌گری بر عملکرد بین‌فردی زوجین (باکوم و همکاران، ۲۰۲۰) و کیفیت روابط زناشویی مؤثر هستند (میلیان، دیاریان و یوسفی، ۱۴۰۰) و زیر پا گذاشتن آزادی‌های فردی زوجین باعث ایجاد احساسات و هیجانات منفی همچون احساس گناه، ترس و ... در زوجین می‌شود (پوررجب و کامیابی، ۱۳۹۹). با ایجاد محدودیت در روابط و به‌کارگیری رفتارهای کنترل‌گرایانه، رضایت زناشویی همسران تحت شعاع قرار گرفته (همت و همکاران، ۲۰۲۱) و رفتارهای کنترل‌گرایانه همسران می‌توانند در بروز دلزدگی زناشویی تأثیرگذار باشند (رحمانی، ۱۳۹۷). البته باید توجه داشت که رفتارهای همسران در روابط دوتایی^۴ شکل پیچیده‌ای به خود می‌گیرد، چراکه آن‌ها در قبال رفتارهای طرف مقابلشان واکنش نشان داده و رفتار می‌کنند که به این الگوی رابطه‌ای، تقابل^۵ گفته می‌شود. بنابراین در مطالعه روابط زوجین باید با تمرکز بر هر دو همسر متغیرهای مربوط به آن‌ها را مورد بررسی داد (باکوم و همکاران، ۲۰۲۰).

¹ domination

² coercive control

³ entrapment

⁴ dyadic

⁵ reciprocity

با نگاهی اجمالی به تحقیقات انجام شده در این حوزه، به نظر می‌رسد مطالعه‌ای به طور مستقیم با تمرکز بر مؤلفه کنترل‌گری اجبارگونه و رابطه آن با رضایت و دلزدگی زناشویی به ویژه با تأکید بر هر دو همسر انجام نشده است و در این زمینه شکاف تحقیقاتی وجود دارد. در یکی از معدود مطالعاتی که با تمرکز بر هر دو همسر و به کارگیری مدل وابستگی متقابل عامل-شریک^۱ انجام شد، رابطه اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه در زنان و شوهران با بهزیستی آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفت که نتایج نشان دادند کنترل‌گری اجبارگونه در زنان پیش‌بین عدم رضایت زناشویی در خود فرد و همسرش بوده، اما در مردان تنها پیش‌بین عدم رضایت زناشویی در همسرش بود. از طرفی اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه زنان پیش‌بینی‌کننده افسردگی و عدم رضایت زناشویی در مردان و اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه مردان پیش‌بینی‌کننده عدم رضایت زناشویی در زنان بود (گو، دارکسن و وودین، ۲۰۱۹).

استفاده از راهبردهای سلطه و کنترل‌گری در مردان و تحقیرآمیز در زنان با ناراضی‌تی زناشویی مرتبط است. براوو و سیلوا (۲۰۱۸) در مطالعه خود نشان دادند که مواردی همچون آزادی دادن به طرف مقابل در روابط همسران بسیار اهمیت داشت. از طرفی احساس برابری می‌تواند در ایجاد رضایت زناشویی افراد اهمیت داشته باشد (مرتضایی و رضازاده، ۱۳۹۹). با افزایش کنترل‌گری در روابط همسران، سرخوردگی و دلزدگی زناشویی افزایش یافته و کنترل‌گری زوجین، سرخوردگی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند (رحمانی، ۱۳۹۷). قاضی‌زاده، زهراکار، کیامنش و محسن‌زاده (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای کیفی نشان دادند که استفاده زوجین از الگوهای ناکارآمد ارتباطی باعث تحلیل عشق و علاقه در مردان شد. لووستاد و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند زنانی که در معرض رفتارهای کنترل‌گراییانه و خشونت جسمانی و جنسی قرار گرفته بودند، علائم افسردگی بیشتری را نشان دادند. بر اساس مطالعات رضایت زناشویی و افسردگی رابطه‌ای دوسویه دارند؛ با بروز افسردگی رضایت زوجین کاهش یافت و عدم رضایت زناشویی افراد به تدریج باعث افزایش علائم افسردگی در همسران شد (چوی و جانگ، ۲۰۲۱).

باید توجه داشت که مطالعات مربوط به کنترل‌گری اجبارگونه غالباً در خارج از ایران صورت گرفته است و پژوهش حاضر به تعمیم‌پذیری بیشتر نتایج قبلی کمک می‌کند. از طرفی جنبه مهم این پژوهش، بررسی کنترل‌گری اجبارگونه و رابطه آن با رضایت و دلزدگی زناشویی در هر دو همسر (زن و شوهر) با در نظر گرفتن نقش‌های اقدام‌کننده/قربانی و تحلیل داده‌ها به صورت رابطه‌ای و دوتایی است، لذا این مطالعه دارای اهمیت و ضرورت پژوهشی بوده و به نظر می‌رسد

¹ actor- partner interdependent model

که اجرای آن می‌تواند نتایجی کاربردی در حیطة زوج‌درمانی و طراحی مداخلات مؤثر در مشکلات زوجین داشته باشد. این پژوهش با هدف کلی تعیین رابطه کنترل‌گری اجبارگونه با رضایت و دلزدگی زناشویی در همسران اجرا شد تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- آیا اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه زن/ شوهر با رضایت زناشویی در خود و همسر رابطه‌ای دارد؟
- آیا قربانی کنترل‌گری اجبارگونه بودن زن/ شوهر با رضایت زناشویی در خود و همسر رابطه‌ای دارد؟
- آیا اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه زن/ شوهر با دلزدگی زناشویی در خود و همسر رابطه‌ای دارد؟
- آیا قربانی کنترل‌گری اجبارگونه بودن زن/ شوهر با دلزدگی زناشویی در خود و همسر رابطه‌ای دارد؟

روش

این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری شامل تمام زوجین ساکن ایران بود که به فضای مجازی دسترسی داشتند (با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس و آنلاین از طریق شبکه‌های اجتماعی همچون تلگرام، واتس‌آپ و ...). طبق توصیه کوهن با در نظر گرفتن توان متوسط $0/8$ و سطح معناداری $0/05$ به منظور دستیابی به حجم نمونه مناسب معنادار با استفاده از نرم‌افزار APIM-POWER (آکرم و کنی، ۲۰۱۶) حجم نمونه، ۱۱۸ زوج در نظر گرفته شد. پس از انتشار پرسشنامه در فضای آنلاین و مشارکت افراد، در مجموع ۶۸۰ نفر در این طرح شرکت کرده که با در نظر گرفتن کدهای مربوطه و تفکیک زوج‌ها، کنارگذاشتن پرسشنامه‌هایی که ملاک‌های ورود در آن‌ها رعایت نشده بود، غربالگری اطلاعات و حذف داده‌های پرت، نهایتاً اطلاعات مربوط به ۱۱۳ زوج وارد فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها شد. معیار انتخاب، رضایت آگاهانه هر یک از زن و شوهر به‌طور جداگانه، حداقل ۱۸ سال سن، بودن در ازدواج اول، توانایی خواندن و استفاده از پرسشنامه اینترنتی در فضای مجازی، عقد دائم و حداقل یک سال زندگی مشترک در زیر یک سقف بود. معیار حذف، عدم پاسخ‌گویی زن یا شوهر به بیش از ۱۰ درصد سؤالات پرسشنامه بود. در ضمن قبل از شروع پژوهش، کلیه مراحل مربوط به دریافت کد اخلاق (IR.SBU.REC.1401.005) از دانشگاه شهید بهشتی تهران انجام و سپس فرایند نمونه‌گیری آغاز شد.

ابزارهای پژوهش

۱. پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱ (فرم ۳۵ سؤالی)

اولسون و فاورز در سال ۱۹۸۹ این پرسشنامه را برای اندازه‌گیری رضایت زناشویی مطرح کردند که شامل چهار زیرمقیاس تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، ارتباطات، حل تعارض است. نمره‌گذاری این پرسشنامه با مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافقم با نمره ۵ و کاملاً مخالفم با نمره ۱ انجام می‌شود. به غیر از سوالات ۱، ۲، ۴، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۳۱ سایر سوالات نمره‌گذاری معکوس دارند (امینی‌کاوه، ۱۳۹۶). محدوده نمره‌ها برای زیرمقیاس‌های رضایت زناشویی، حل تعارض و ارتباطات ۱۰ تا ۵۰ و برای زیرمقیاس تحریف آرمانی ۵ تا ۲۵ است که مجموع این موارد با نمرات بالا به معنای رضایت زناشویی بیشتر در نظر گرفته می‌شوند. این پرسشنامه روی ۲۱۵۰۱ زوج هنجاریابی و با مقیاس رضایت خانوادگی همبستگی ۰/۶۰ برای روایی سازه و عدد ۰/۸۴ برای پایایی آزمون-باز آزمون گزارش شده است (چراغی، مظاهری، موتابی، پناغی، صادقی و همکاران، ۱۳۹۴ به نقل از اولسون، ۲۰۰۶). در ایران نیز این پرسشنامه بررسی و اعداد ۰/۸۱، ۰/۸۶، ۰/۹۰ و ۰/۹۲ برای خرده مقیاس‌های ارتباط، رضایت زناشویی، حل تعارض و تحریف آرمانی به عنوان اعتبار بازآزمایی (امینی‌کاوه، ۱۳۹۶) و روایی سازه این مقیاس با آزمون سازگاری زناشویی^۲ همبستگی معنادار ۰/۷۳ گزارش شده است (چراغی و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ رضایت زناشویی کلی در زنان ۰/۹۶ و در شوهران ۰/۹۵ بدست آمد که بیانگر همسانی درونی عالی این مقیاس است.

۲. پرسشنامه دلزدگی زناشویی^۳

این پرسشنامه توسط پاینز در سال ۱۹۹۶ برای اندازه‌گیری درجه دلزدگی و فرسودگی زناشویی در زوجین مطرح شد که شامل ۲۱ گویه و ۳ جز اصلی است: ازپافتادن جسمی (خستگی، سستی و ...)، ازپافتادن عاطفی (افسردگی، ناامیدی و ...) و ازپافتادن روانی (احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و ...). تمامی گویه‌ها بر اساس مقیاس هفت امتیازی از یک تا هفت پاسخ داده می‌شوند که سطح یک بیانگر عدم تجربه و سطح ۷ بیانگر تجربه بالای دلزدگی زناشویی است (امینی‌کاوه، ۱۳۹۶). ضریب پایایی آزمون برای یک دوره یک‌ماهه ۰/۸۹، یک دوره دوماهه ۰/۷۶ و دوره چهارماهه ۰/۶۶ گزارش شد و پایایی درونی آزمون‌ها با ضریب آلفای کرونباخ بررسی و تقریباً بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بوده است. روایی این پرسشنامه با استفاده از همبستگی‌های منفی با ویژگی‌های

¹ enrich marital satisfaction scale² Marital Adjustment Test (MAT)³ Couple Burnout Questionnaire (CBM)

ارتباطی مثبت همچون احساس امنیت، خودشکوفایی و ... مورد تأیید قرار گرفته است و نسخه ترجمه شده آن در مطالعه‌های بین‌فرهنگی کشورهای هم‌چون نروژ، مجارستان، مکزیک با موفقیت استفاده شده است (به نقل از امینی‌کاو، ۱۳۹۶). این پرسشنامه در ایران توسط نویدی در سال ۱۳۸۴ بررسی و ضریب همبستگی آن با پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ ۰/۴۰- گزارش شد (میرزایی جاهد و صابری، ۱۳۹۸). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ مقیاس کلی دلزدگی برای زنان ۰/۸۵ و برای شوهران ۰/۸۴ بدست آمده است که همسانی درونی عالی آن را نشان می‌دهد.

۳. پرسشنامه رفتارهای کنترل‌گرایانه^۱

این پرسشنامه اولین بار توسط گراهام-کوان و آرچر در سال ۲۰۰۳ با هدف بررسی رفتارهای کنترل‌گرایانه مطرح شد که دارای ۲۴ عبارت بوده و پنج سؤال انتهایی آن مربوط به زوجین فرزنددار است. در این مقیاس زنان و شوهران می‌توانند رفتارهای کنترل‌گرایانه خود و همسرشان را گزارش داده و شامل زیرمقیاس‌های کنترل اقتصادی، کنترل تهدیدآمیز، کنترل از طریق ترساندن، کنترل هیجانی، کنترل از طریق منزوی کردن و کنترل از طریق فرزندان است. نمره‌گذاری این پرسشنامه با مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای از صفر تا ۴ انجام می‌شود. محدوده نمرات برای زیرمقیاس‌های کنترل از طریق اقتصادی و تهدیدآمیز صفر تا ۱۶، کنترل از طریق ترساندن، هیجانی و فرزندان صفر تا ۲۰ و برای کنترل از طریق منزوی کردن صفر تا ۲۴ بوده و مجموع نمرات بالاتر بیانگر کنترل‌گری اجبارگونه بیشتر است. در بررسی این پرسشنامه روی ۲۰۰۰ نفر در انگلستان، ضریب آلفای نمونه زنان ۰/۹۰ درصد و در مردان ۰/۸۹ درصد گزارش شد (ضیائی، ۱۳۹۴). اعتبار آفوم تجدیدنظر شده مقیاس رفتارهای کنترل‌گرایانه^۲ در سال ۲۰۰۵ مورد بررسی قرار گرفت که نشان از سازگاری آن با مقیاس تجدیدنظرشده تاکتیک‌های تعارض^۴ برای اقدام‌کننده و قربانی داشت (اسلیث، واکر و ترامونتانو، ۲۰۱۸). این پرسشنامه در ایران توسط ضیائی (۱۳۹۴) بررسی و مشخص شد ضریب اعتبار آلفای کرونباخ نسخه فارسی آن با نتایجی که کوان و آرچر در سال ۲۰۰۳ گزارش داده بودند، همخوانی دارد (ضیائی، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ مقیاس کلی رفتارهای کنترل‌گرایانه در زنان ۰/۹۲ و در شوهران ۰/۹۵ بدست آمد که همسانی درونی عالی آن را نشان می‌دهد.

¹ Controlling Behaviors Scale (CBS)

² validation

³ The Revised Controlling Behaviours Scale (cbs-r)

⁴ The Revised Conflict Tactics Scale (CTS2)

شیوه اجرا

به منظور اجرای پژوهش پس از طراحی پرسشنامه‌ها در پلت‌فرم پرسلاین، از طریق دعوت‌نامه اینترنتی در شبکه‌های مجازی از زوجین علاقه‌مند دعوت شد تا در صورت تمایل در این طرح شرکت کنند. زوجین باید ابتدا کدی مشترک و متشکل از عدد و حروف برای خود و همسرشان ذکر کرده و سپس به پرسش‌ها پاسخ می‌دادند. در ضمن پرسشنامه اینترنتی شامل فرم رضایت‌نامه (معرفی اهداف پژوهش و محرمانه بودن اطلاعات همسران) برای شرکت در پژوهش و دستورالعمل مرحله به مرحله بود و در تمامی مراحل اصول اخلاقی (محرمانه بودن اطلاعات شرکت‌کننده‌ها، شرکت در پژوهش بدون نیاز به ذکر نام و نام خانوادگی و ...) به طور کامل رعایت شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، در نهایت داده‌های مربوط به ۱۱۳ زوج وارد فرایند تحلیل شد. داده‌های بخش توصیفی همچون میانگین و انحراف معیار متغیرهای اصلی و ابعاد مختلف آن‌ها با استفاده از نسخه ۲۶ نرم‌افزار SPSS محاسبه شدند. به منظور بررسی اثرات متقابل ویژگی‌های همسران، داده‌های با بهره‌گیری از روش وابستگی متقابل عامل- شریک مورد بررسی قرار گرفت. این مدل توسط کنی و کوک در سال ۱۹۹۹ با هدف در نظر گرفتن عدم استقلال داده‌های دوتایی معرفی شده است. عدم استقلال داده‌ها بدین معناست که افراد به‌شیوه‌ای با یکدیگر ارتباط داشته و رفتار آن‌ها تحت تأثیر رفتار یا ویژگی‌های طرف مقابلشان (همسر و ..) قرار دارد (کنی، کاشی و کوک، ۲۰۲۰). در پژوهش حاضر زن و شوهر بر اساس جنسیت تفکیک شده‌اند و طرح استاندارد دوتایی^۱ استفاده شده است که متغیرهای یکسانی را در هر دو همسر مورد سنجش قرار می‌دهد و هر فرد فقط و فقط عضوی از یک زوج است (کنی و همکاران، ۲۰۲۰). برای اجرای این روش، نرم‌افزار APIM-SEM که برنامه‌ای آماری با هدف اجرای تحلیل مدل وابستگی متقابل عامل-شریک در نرم‌افزار آر^۲ است، قابلیت تحلیل داده‌های مربوط به زوج‌های تفکیک‌پذیر و تفکیک‌ناپذیر و مدلسازی اثرهای عامل و شریک را برای یک یا چند پیش‌بینی‌کننده را دارد، به کار گرفته شد (استاس، کنی، مایر و لویز، ۲۰۱۸). برای سنجش تفاوت جنسیتی متغیرهای پژوهش آزمون تی هم‌بسته به کار گرفته شد.

یافته‌ها

مدت زمان ازدواج و زندگی مشترک زوجین در زیر یک سقف، در محدوده ۱ تا ۳۶ سال قرار داشت (میانگین حدودی ۱۰ سال و انحراف معیار ۸/۳). سن زنان با میانگین ۳۲/۱ (انحراف معیار

^۱ standard dyadic design

^۲ r-package

(۷/۶) و سن شوهران با میانگین ۳۶ (انحراف معیار ۸/۸) بود. تقریباً نیمی از زنان (۴۶/۹ درصد) و شوهران (۴۱/۶ درصد) دارای سطح تحصیلات کارشناسی بودند.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و مقادیر آزمون تی همبسته متغیرهای اصلی

متغیر	میانگین		انحراف استاندارد		تی همبسته	سطح معناداری
	شوهران	زنان	شوهران	زنان		
اقدام کنترل‌گری اجبارگونه	۱۶/۵۸	۱۶/۰۸	۱۱/۹۱	۸/۲۹	-۰/۴۶۲	۰/۶۴۵
قربانی کنترل‌گری اجبارگونه	۱۷/۹۲	۱۷/۸۶	۱۳/۰۰	۱۲/۳۲	-۰/۰۶۱	۰/۹۵۲
رضایت زناشویی	۱۲۴/۲۶	۱۲۱/۲۹	۲۱/۸۷	۲۵/۱۹	-۱/۴۸۲	۰/۱۴۱
دلزدگی زناشویی	۲/۴۶	۲/۷۸	۱/۰۱	۱/۰۹	۳/۳۸	۰/۰۰۱

در جدول شماره یک، شاخص‌های توصیفی مانند انحراف استاندارد، میانگین و آزمون تی همبسته مربوط به متغیرهای اصلی پژوهش ارائه داده شده است. این آزمون نشان داد که تنها در دلزدگی زناشویی، بین زنان و شوهران تفاوت آماری معناداری وجود دارد.

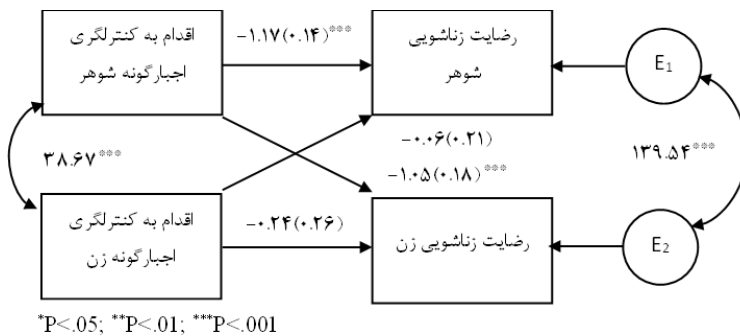
جدول ۲. میانگین و انحراف معیار زیرمقیاس‌های کنترل‌گری اجبارگونه در زنان و شوهران

میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
۲/۶۴	۲/۴۳	۰	۱۰
۳/۹۲	۳/۷۲	۰	۱۶
۳/۶۱	۳/۴۷	۰	۱۶
۲/۷۸	۲/۶۱	۰	۱۱
۱/۰۸	۱/۵۱	۰	۶
۰/۹۳	۱/۹۰	۰	۸
۰/۸۵	۱/۸۳	۰	۱۰
۱/۲۷	۲/۲۱	۰	۱۳
۱/۳۱	۱/۳۸	۰	۷
۱/۸۵	۲/۰۴	۰	۱۱
۱/۷۸	۲/۱۶	۰	۸
۱/۷۲	۲/۲۶	۰	۱۴
۴/۰۰	۲/۳۱	۰	۱۱
۳/۸۳	۲/۶۶	۰	۱۲
۳/۵۴	۲/۷۸	۰	۱۳
۳/۸۵	۲/۹۴	۰	۱۳

میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	
۴/۲۰	۳/۵۱	۰	۱۶	کنترل از طریق منزوی کردن زن (اقدام)
۳/۷۹	۳/۴۲	۰	۱۷	کنترل از طریق منزوی کردن زن (قربانی)
۳/۴۰	۳/۳۸	۰	۱۶	کنترل از طریق منزوی کردن شوهر (اقدام)
۵/۲۶	۴/۶۵	۰	۲۰	کنترل از طریق منزوی کردن شوهر (قربانی)
۲/۹۱	۱/۷۵	۰	۱۰	کنترل از طریق فرزندان زن (اقدام)
۳/۵۲	۲/۵۰	۰	۱۷	کنترل از طریق فرزندان زن (قربانی)
۳/۳۸	۲/۳۷	۰	۱۳	کنترل از طریق فرزندان شوهر (اقدام)
۳/۰۲	۲/۵۰	۰	۱۳	کنترل از طریق فرزندان شوهر (قربانی)

جدول ۳. نتایج تحلیل APIM برای نمره کنترل‌گری اجبارگونه زن / شوهر (اقدام) با رضایت زناشویی

سطح معناداری	بتا	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	برآورد	اثر	اقدام کنترل‌گری اجبارگونه
۰/۳۶۸	-۰/۰۷۸	۰/۲۸ تا -۰/۷۵۴	-۰/۲۳۷	عامل	زن
<۰/۰۰۱	-۰/۴۵۹	-۰/۶۸۸ تا -۱/۴۰۷	-۱/۰۴۷	شریک	
<۰/۰۰۱	-۰/۶۳۹	-۰/۸۹۱ تا -۱/۴۵۳	-۱/۱۷۲	عامل	شوهر
۰/۷۸۶	-۰/۰۲۱	۰/۳۴۸ تا -۰/۴۵۹	-۰/۰۵۶	شریک	

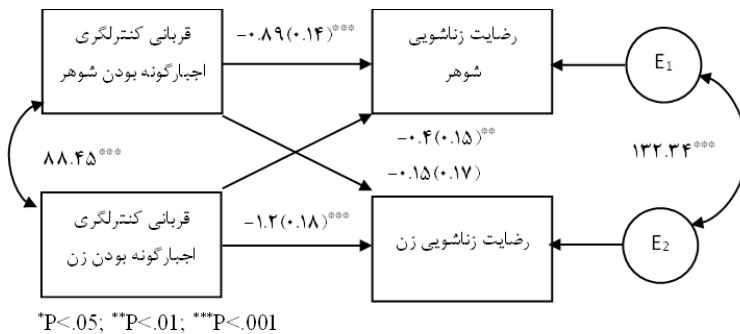


شکل ۱. مدل APIM برای نمره کنترل‌گری اجبارگونه زن / شوهر (اقدام) با رضایت زناشویی

نتایج تحلیل مدل وابستگی متقابل عامل-شریک با نمره اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه در جدول شماره سه و نمایش تصویری آن نیز در شکل شماره یک ارائه شده است. براین اساس اثرات عامل و شریک برای شوهران معنادار بوده اما در زنان اینطور نیست.

جدول ۴. نتایج تحلیل APIM برای نمره کنترل‌گری اجبارگونه زن / شوهر (قربانی) با رضایت زناشویی

سطح معناداری	بتا	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	برآورد	اثر	قربانی کنترل‌گری اجبارگونه
<۰/۰۰۱	-۰/۵۸۸	-۰/۸۵۱ تا -۱/۵۵۲	-۱/۲۰۱	عامل	زن
۰/۳۶۴	-۰/۰۷۹	۰/۱۷۸ تا -۰/۴۸۶	-۰/۱۵۴	شریک	
<۰/۰۰۱	-۰/۵۲۷	-۰/۶۱۱ تا -۱/۱۶۱	-۰/۸۸۶	عامل	شوهر
۰/۰۰۷	-۰/۲۲۳	-۰/۱۰۶ تا -۰/۶۸۶	-۰/۳۹۶	شریک	

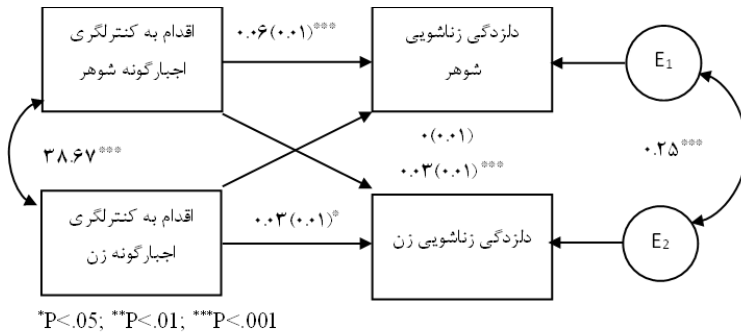


شکل ۲. مدل APIM برای نمره کنترل‌گری اجبارگونه در زن / شوهر (قربانی) با رضایت زناشویی

نتایج تحلیل مدل وابستگی متقابل عامل-شریک با نمره قربانی کنترل‌گری اجبارگونه در جدول شماره چهار و نمایش تصویری آن نیز در شکل شماره دو ارائه شده است. براین اساس اثرات عامل برای زنان و شوهران معنادار بوده و اثر شریک تنها در زنان معنادار است.

جدول ۵. نتایج تحلیل APIM برای نمره کنترل‌گری اجبارگونه زن / شوهر (اقدام) با دلزدگی زناشویی

سطح معناداری	بتا	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	برآورد	اثر	اقدام کنترل‌گری اجبارگونه
۰/۰۳۲	۰/۱۹۲	۰/۰۴۹ تا ۰/۰۰۲	۰/۰۲۵	عامل	زن
<۰/۰۰۱	۰/۳۷۸	۰/۰۵۱ تا ۰/۰۱۹	۰/۰۳۵	شریک	
<۰/۰۰۱	۰/۷۲۶	۰/۰۷۴ تا ۰/۰۵۰	۰/۰۶۲	عامل	شوهر
۰/۷۱۴	-۰/۰۲۶	۰/۰۱۴ تا -۰/۰۲۰	-۰/۰۰۳	شریک	

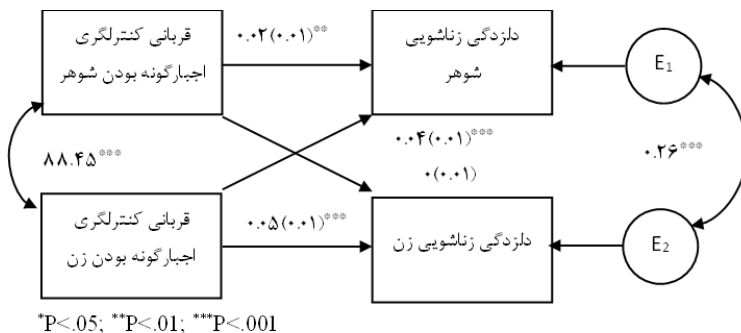


شکل ۳. مدل APIM برای نمره کنترل‌گری اجبارگونه زن / شوهر (اقدام) با دلزدگی زناشویی

نتایج تحلیل مدل وابستگی متقابل عامل-شریک (اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه) در جدول شماره پنج و نمایش تصویری آن نیز در شکل شماره سه ارائه شده است. بر این اساس اثرات عامل و شریک در شوهران معنادار بوده اما در زنان تنها اثر عامل معنادار است.

جدول ۶. نتایج تحلیل APIM برای نمره کنترل‌گری اجبارگونه زن / شوهر (قربانی) با دلزدگی زناشویی

قربانی کنترل‌گری اجبارگونه	اثر	برآورد	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	بتا	سطح معناداری
زن	عامل	۰/۰۴۶	۰/۰۲۹ تا ۰/۰۶۳	۰/۵۱۹	<۰/۰۰۱
	شریک	۰/۰۰۲	-۰/۰۱۴ تا ۰/۰۱۷	۰/۰۱۹	۰/۸۴۴
شوهر	عامل	۰/۰۱۹	۰/۰۰۵ تا ۰/۰۳۳	۰/۲۴۴	۰/۰۰۷
	شریک	۰/۰۳۶	۰/۰۲۲ تا ۰/۰۵۱	۰/۴۴۱	<۰/۰۰۱



شکل ۴. مدل APIM برای نمره کنترل‌گری اجبارگونه زن / شوهر (قربانی) با دلزدگی زناشویی

نتایج تحلیل مدل وابستگی متقابل عامل-شریک (قربانی کنترل‌گری اجبارگونه) در جدول شماره شش و نمایش تصویری آن نیز در شکل شماره چهار ارائه شده است. بر این اساس اثرات عامل برای زنان و شوهران معنادار است و اثر شریک تنها در زنان معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه کنترل‌گری اجبارگونه (اقدام‌کننده/ قربانی) با رضایت و دلزدگی زناشویی زنان و شوهران صورت گرفت. نتایج پژوهش حاضر نشان داد اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه در شوهر با رضایت زناشویی خود فرد و همسرش رابطه معکوس دارد؛ با افزایش اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه در شوهر، رضایت زناشویی در خود فرد و همسرش کاهش می‌یابد، همسو با نتایج گو و همکاران (۲۰۱۹) مبنی بر رابطه اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه مردان با عدم رضایت زناشویی همسرشان. در بخش دیگری از یافته‌ها مشخص شد اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه در زنان، پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی در خود فرد و همسرش نیست که ناهمسو با پژوهش گو و همکاران (۲۰۱۹) مبنی بر ارتباط اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه در زنان با عدم رضایت زناشویی همسرشان، می‌باشد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت هر یک از همسران معمولاً سعی می‌کنند تا با روش‌های مختلفی بر زندگی زناشویی، رابطه و همسر خود کنترل داشته باشند (باکوم و همکاران، ۲۰۲۰). این نیاز به کنترل بر جنبه‌های مختلفی از روابط زناشویی آن‌ها تأثیرگذار بوده به ویژه زمانی که راهبردهای آزارگریانه‌ای همچون کنترل‌گری اجبارگونه تهدیدآمیز، ترساندن، از طریق فرزندان، اقتصادی و ... در رابطه به کار گرفته شوند. کنترل‌گری اجبارگونه و تاکتیک‌های آزارگریانه هر یک از همسران باعث می‌شود تا با کاهش احساس صمیمیت و عشق، آن‌ها نتوانند از رابطه زناشویی و همسر خود رضایت کافی داشته باشند و با توجه به بحث تقابلی بودن رابطه همسران، این موضوع رضایت زناشویی همسر را نیز تحت شعاع قرار دهد. یافته‌ها نشان دادند که قربانی کنترل‌گری اجبارگونه بودن در زن با رضایت زناشویی خود فرد و همسرش رابطه معکوس دارد؛ با افزایش قربانی کنترل‌گری اجبارگونه بودن زن، رضایت زناشویی خود فرد و همسرش کاهش می‌یابد. از طرفی قربانی کنترل‌گری اجبارگونه بودن شوهر تنها پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی خود فرد است؛ با افزایش قربانی کنترل‌گری اجبارگونه بودن شوهر، رضایت زناشویی تنها در خود فرد کاهش می‌یابد. در این قسمت نتایج به‌نوعی همسو با براوو و سیلوا (۲۰۱۸) مبنی بر رابطه سلطه و کنترل با عدم رضایت زناشویی در زنان و مردان، رادا (۲۰۲۰) مبنی بر رابطه قربانی خشونت بودن به ویژه از نوع خشونت روانشناختی و هیجانی در زنان با عدم رضایت زناشویی آن‌ها و علیپور و همکاران (۱۳۹۴) مبنی بر رابطه کنترل‌گری با

عدم رضایت در زنان و مردان است. می‌توان اینگونه در نظر گرفت که قرار گرفتن زنان در جایگاه قربانی و دور شدن آن‌ها از حقوق و منابع طبیعی‌شان باعث محدودیت شده که احتمالاً نتیجه این شرایط، کاهش رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی‌شان خواهد بود. خشونت باعث ایجاد فاصله عاطفی بین زوجین می‌شود و فقدان صمیمیت و ارتباط زوجین باهمدیگر باعث بروز خشونت می‌شود که تمامی این موارد همچون چرخه‌ای معیوب در روابط همسران رخ می‌دهند (رادا، ۲۰۲۰). این چرخه معیوب به مرور زمان جنبه‌های مختلفی از رابطه زوجین را تحت شعاع قرار می‌دهد. در این شرایط شوهر نیز دائماً با شیوه‌های مختلف و از طریق تاکتیک‌های کنترل‌گرایانه اجبارگونه سعی می‌کند تا روی رابطه و همسرش کنترل و سلطه داشته باشد. این موضوع می‌تواند باعث ایجاد یا تشدید تعارضات بین زوجین شده، رضایت زناشویی شوهر را نیز کاهش قرار دهد. در ادامه نتایج نشان دادند که اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه در شوهر با دلزدگی زناشویی خود فرد و همسرش رابطه مستقیم دارد؛ با افزایش اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه در شوهر، دلزدگی زناشویی در خود فرد و همسرش افزایش می‌یابد. از طرفی اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه در زن، تنها پیش‌بینی‌کننده دلزدگی زناشویی در خود فرد است و با افزایش اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه در زن، دلزدگی زناشویی در خود فرد افزایش می‌یابد. در این قسمت مطالعه مشابهی یافت نشد اما نتایج به نوعی ناهمسو با گو و همکاران (۲۰۱۹) مبنی بر رابطه اقدام به کنترل‌گری اجبارگونه زنان با حالات افسردگی در همسر و همسو با رحمانی (۱۳۹۷) مبنی بر رابطه کنترل‌گری زوجین با افزایش دلزدگی زناشویی در آن‌ها است. می‌توان این‌گونه در نظر گرفت که راهبردهای آزارگرایانه شوهر و تسلط افراطی وی بر طرف مقابل و رابطه به تدریج باعث کاهش صمیمیت و ایجاد سردی در رابطه می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۷). شوهر اقدام‌کننده تنها به دنبال کنترل همسرش است، این قضیه باعث ایجاد حس تنهایی، انزوا و عدم صمیمیت شده، به تدریج وی را دچار دلزدگی زناشویی کند. باتوجه به اثرات متقابل همسران بر همدیگر، این موضوع روی زن نیز تأثیر گذاشته و وی به تدریج دچار دلزدگی از رابطه و همسر می‌شود. اقدام زن به کنترل‌گری اجبارگونه و تلاش مداوم وی برای کنترل همسرش، باعث می‌شود تا به مرور زمان بی‌میلی و دلزدگی زناشویی ایجاد شود. قربانی کنترل‌گری اجبارگونه بودن در زن با دلزدگی زناشویی خود فرد و همسرش رابطه مستقیم دارد و با افزایش قربانی کنترل‌گری اجبارگونه بودن زن، دلزدگی زناشویی در خود فرد و همسرش افزایش می‌یابد. از طرفی قربانی کنترل‌گری اجبارگونه بودن در شوهر تنها با دلزدگی زناشویی خود فرد رابطه مستقیم دارد و با افزایش قربانی کنترل‌گری اجبارگونه بودن شوهر، دلزدگی زناشویی در خود فرد افزایش می‌یابد. در این قسمت پژوهش مشابهی یافت نشد اما نتایج به نوعی همسو با لووستاد و همکاران (۲۰۱۸) مبنی بر رابطه

در معرض رفتارهای کنترل‌گرایانه قرار گرفتن زنان و علائم افسردگی آن‌ها باشد. می‌توان اینگونه در نظر گرفت که بودن جایگاه قربانی باعث می‌شود تا برای مثال فرد نتواند به فعالیت‌های مورد علاقه‌اش پرداخته یا با خانواده و دوستان ارتباط داشته باشد که نتیجه این احساس ناامنی و انزوا، ترس و از بین رفتن علاقه بین زوجین و ایجاد یا تشدید تعارضات و احساس فرسودگی در آن‌ها خواهد بود. بودن زن در جایگاه قربانی، احساس ترس و هراس ناشی از رفتارهای کنترل‌گرایانه شوهر و محدودیت‌های متعدد، به مرور باعث ایجاد بی‌میلی نسبت به شوهر و احساس دلزدگی در وی می‌شود. باتوجه به تقابلی بودن رابطه زوجین، این حالت روی شوهر نیز تأثیر گذاشته، فضای رابطه را سرد و بی‌روح می‌کند. از طرفی قرار گرفتن شوهر در جایگاه قربانی، احساس ناکامی و شکست در به دست گرفتن سلطه و قدرت در کنار تجربه محدودیت‌ها و رفتارهای کنترل‌گرایانه اجبارگونه از طرف زن، به مرور زمان باعث ایجاد بی‌میلی نسبت به همسر شده و نتیجه کاهش عشق و علاقه در رابطه، چیزی جز فرسودگی و دلزدگی نخواهد بود.

بررسی آماری داده‌های بخش توصیفی در دلزدگی زناشویی تفاوت آماری معنادار به لحاظ جنسیتی وجود داشت، همسو با مطالعاتی که دلزدگی زناشویی را در زنان بیشتر از مردان در نظر می‌گیرند، همچون پاموک و دورموش (۲۰۱۵). می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که مواردی همچون کارهای منزل، مراقبت از فرزندان و ... (پاموک و دورموش، ۲۰۱۵) و در واقع مسئولیت‌های زیاد زنان (وظایف همسری و مادری) باعث ایجاد دشواری‌هایی برای آن‌ها می‌شود که به مرور زمان احتمالاً آسیب‌های روانی، جسمی و دلزدگی به همراه خواهد داشت.

در مجموع می‌توان اینگونه نتیجه گرفت ازدواج و رابطه زوجین یکی از اساسی‌ترین روابط انسانی محسوب می‌شود و می‌تواند در بهزیستی همسران تأثیرگذار باشد. در پژوهش حاضر مشخص شد که کنترل‌گری اجبارگونه مفهومی کلیدی و مؤثر در روابط زناشویی بوده که با کاهش رضایت زناشویی و افزایش دلزدگی در همسران همراه است. نتایج نشان دادند که رضایت و دلزدگی زناشویی نه تنها تحت تأثیر کنترل‌گری اجبارگونه خود فرد (اقدام‌کننده/ قربانی) است بلکه از کنترل‌گری اجبارگونه همسرش (اقدام‌کننده/ قربانی) نیز تأثیر می‌پذیرد. یافته‌های پژوهش حاضر بر این موضوع تأکید داشت که به منظور مطالعه عمیق ویژگی همسران، باید آن‌ها را در بافت و رابطه دوتایی در نظر گرفت. بدین ترتیب و باتوجه به یافته‌های حاصل باید گفت که با کاهش رفتارهای کنترل‌گرایانه اجبارگونه می‌توان از بروز تعارضات و مشکلات بین همسران که به مرور زمان باعث ایجاد نارضایتی و دلزدگی زناشویی می‌شوند، جلوگیری و به تحکیم روابط آن‌ها کمک کرد. از میان محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به روش نمونه‌گیری دردسترس و اینترنتی اشاره کرد که با توجه به شرایط همه‌گیری کووید-۱۹ و دسترسی به هر دو همسر بوده است. پیشنهاد

می‌شود تا به منظور تحقق نتایجی دقیق‌تر، از سایر روش‌های نمونه‌گیری به‌خصوص روش‌های حضوری همچون مصاحبه، مشاهده استفاده شده و همچنین نمونه‌هایی با تعداد شرکت‌کنندگان بیشتر بررسی شوند. بر اساس نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود تا زوج‌درمانگران و متخصصین حوزه زوج و خانواده اثرات کنترل‌گری اجبارگونه بر روابط زوجین را در نظر بگیرند و به‌منظور بهبود و رفع مشکلات همسران، تکنیک‌های درمانی و مداخلات مناسب را طراحی و اجرا کنند. علاوه بر این می‌توان با آموزش و مشاوره به زوجین از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در جهت کاهش این پدیده و به تبع بهبود روابط همسران گامی مؤثر برداشت.

موازین اخلاقی

این پژوهش با رعایت کلیه اصول اخلاق پژوهش انجام شده و دارای کد اخلاق با شناسه IR.SBU.REC.1401.005 از دانشگاه شهید بهشتی تهران است. تمامی شرکت‌کنندگان از اهداف و دستورالعمل‌های پژوهش مطلع بودند و رضایت‌نامه مشارکت داوطلبانه را (به صورت اینترنتی) تأیید کردند. درضمن در کلیه مراحل کار، داده‌ها به صورت ناشناس و محرمانه جمع‌آوری شدند.

مشارکت نویسندگان

پژوهش حاضر از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول در گروه روان‌شناسی بالینی خانواده، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی تهران (شماره ۸۱۳۸۶، ۳۰۰/۰۰۰ مورخ ۱۴۰۱/۶/۲۷) برگرفته شده است.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این پژوهش تعارض منافع و حامی مالی نداشته است.

سپاسگزاری

بدینوسیله از کلیه همسرانی که در پژوهش حاضر شرکت کردند، قدردانی می‌شود.

References

- Ackerman, R. A., & Kenny, D. A. (2016). APIMPowerR: An interactive tool for actor-partner interdependence model power analysis. *Computer software*. <https://robert-a-ackerman.shinyapps.io/APIMPowerRdis>. [[link](#)]
- Ali, P. A., Dhingra, K., & McGarry, J. (2016). A literature review of intimate partner violence and its classifications. *Aggression and violent behavior, 31*, 16-25. [[link](#)]
- Aman, J., Abbas, J., Nurunnabi, M., & Bano, S. (2019). The relationship of religiosity and marital satisfaction: The role of religious commitment and practices on marital satisfaction among Pakistani respondents. *Behavioral Sciences, 9*(3), 30. [[link](#)]
- Baucom, D. H., Fischer, M. S., Corrie, S., Worrell, M., & Boeding, S. E. (2020). *Treating relationship distress and psychopathology in couples: A cognitive-behavioural approach*. [[link](#)]
- Bishop, C., & Bettinson, V. (2018). Evidencing domestic violence*, including behaviour that falls under the new offence of 'controlling or coercive behaviour'. *The International Journal of Evidence & Proof, 22*(1), 3-29. [[link](#)]
- Bravo, C. S., & Silva, R. M. H. (2018). La satisfacción marital y el manejo del poder en la pareja: prevención para la salud. *Revista argentina de clínica psicológica, 27*(1), 72-82. [[link](#)]
- Breiding, M., Basile, K. C., Smith, S. G., Black, M. C., & Mahendra, R. R. (2015). Intimate partner violence surveillance: Uniform definitions and recommended data elements. Version 2.0. [[link](#)]
- Choi, E., & Jung, S. Y. (2021). Marital satisfaction and depressive symptoms among Korean couples with young children: Dyadic autoregressive cross-lagged modeling. *Family Relations, 70*(5), 1384-1398. [[link](#)]
- Faraji, J., Namvar, H., & Namvar, B. (2021). Investigating the Factors Affecting Marital Burnout of Couples in Tehran. [[link](#)]
- Ghazizadeh, H., Zaharakar, K., Kiamanesh, A., & Mohsenzadeh, F. (2018). Conceptual model of underlying factors in women domestic violence against men. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing, 6*(4), 35-48. [[link](#)]
- Gou, L. H., Duerksen, K. N., & Woodin, E. M. (2019). Coercive control during the transition to parenthood: An overlooked factor in intimate partner violence and family wellbeing?. *Aggressive behavior, 45*(2), 139-150. [[link](#)]
- Hamberger, L. K., Larsen, S. E., & Lehrner, A. (2017). Coercive control in intimate partner violence. *Aggression and Violent Behavior, 37*, 1-11. [[link](#)]
- Hammett, J. F., Lavner, J. A., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2021). Intimate partner aggression and marital satisfaction: A cross-lagged panel analysis. *Journal of interpersonal violence, 36*(3-4), NP1463-1481NP. [[link](#)]

- Hardesty, J. L., Crossman, K. A., Haselschwerdt, M. L., Raffaelli, M., Ogolsky, B. G., & Johnson, M. P. (2015). Toward a standard approach to operationalizing coercive control and classifying violence types. *Journal of Marriage and Family*, 77(4), 833-843. [[link](#)]
- Jibeen, T. (2019). Influence of acculturative stress on marital satisfaction: Moderation effect of gender role and communication styles in Pakistani immigrants. *Community Development*, 1-21. [[link](#)]
- Jud, A., Grafe, B., Meshkova, K., Kavemann, B., Meysen, T., Hoffmann, U., Ziegenhain, U., & Fegert, J. (2022). Prevalence and predictors of affirmations of intimate partner violence in Germany: a first nationwide study on victimization in women and men. *Journal of interpersonal violence*, 08862605221092066. [[link](#)]
- Kenny, D. A., Kashy, D. A., & Cook, W. L. (2020). *Dyadic data analysis*. Guilford Publications. [[link](#)]
- Koutsimani, P., Montgomery, A., & Georganta, K. (2019). The Relationship Between Burnout, Depression, and Anxiety: A Systematic Review and Meta-Analysis. *Frontiers in psychology*, 10, 284. [[link](#)]
- Lövestad, S., Löve, J., Vaez, M., & Krantz, G. (2017). Prevalence of intimate partner violence and its association with symptoms of depression; a cross-sectional study based on a female population sample in Sweden. *BMC public health*, 17(1), 1-11. [[link](#)]
- Mirzaee Jahed, A., & Saberi, H. (2019). The prediction of marital disaffection of women based on their sexual attitudes and their husbands' tendency toward dark personality. *Q Appl Psychol*, 13(3), 371-89. [[link](#)]
- Moblian, A., Dayarian, M., & Yousefi, Z. (2021). Prediction of Marital Relationship Quality based on Personality Factors, Glasser's basic Needs and Self-Acceptance. *Quarterly of Applied Psychology*, 15 (4): 207, 232, 2. [[link](#)]
- Moghadasali, S., Mirhashemi, M., & Bagheri, N. (2021). The role communication patterns and identity styles on prediction marital satisfaction: A discriminational study. *Quarterly of Applied Psychology*, 15 (1): 141, 168, 2. [[link](#)]
- Mortezaei, N., & Rezazade, S. M. R. (2021). The Mediating Role of Marital Commitment in The Relationship Between Equity and Marital Satisfaction. *Journal of Applied Psychological Research*, 11(4), 281-292. [[link](#)]
- Nurhayati, S. R., Faturochman, F., & Helmi, A. F. (2019). Marital quality: A conceptual review. *Buletin Psikologi*, 27(2), 109-124. [[link](#)]
- Pamuk, M., & Durmuş, E. (2015). Investigation of burnout in marriage. *Journal of Human Sciences*, 12(1), 162-177. [[link](#)]

- Rada, C. (2020). Violence, communication, and satisfaction among middle-aged adults and older people from Romania. *Humanities and Social Sciences Communications*, 7(1), 1-12. [[link](#)]
- Rajaei Ghazilou, D., Shariatmadar, A., & Farrokhi, N. (2021). Life Satisfaction and Marital Satisfaction Based on Lived Experiences of Working and Housewives: A phenomenological Study. *Quarterly of Applied Psychology*, 15 (1): 95, 115, 2. [[link](#)]
- Rajaei Ghazilou, D., Shariatmadar, A., & Farrokhi, N. (2021). Life Satisfaction and Marital Satisfaction Based on Lived Experiences of Working and Housewives: A phenomenological Study. *Quarterly of Applied Psychology*, 15 (1): 95, 115, 2. [[link](#)]
- Saffari, M., Arslan, S. A., Yekaninejad, M. S., Pakpour, A. H., Zaben, F. A., & Koenig, H. G. (2017). Factors associated with domestic violence against women in Iran: An exploratory multicenter community-based study. *Journal of interpersonal violence*, 0886260517713224. [[link](#)]
- Scott, H. S. (2018). Extending the Duluth model to workplace bullying: A modification and adaptation of the workplace power-control wheel. *Workplace health & safety*, 66(9), 444-452. [[link](#)]
- Sirin, H. D., & Deniz, M. (2016). The Effect of the Family Training Program on Married Women's Couple-Burnout Levels. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 16(5), 1563-1585. [[link](#)]
- Sleath, E., Walker, K., & Tramontano, C. (2018). Factor structure and validation of the controlling behaviors scale–revised and revised conflict tactics scale. *Journal of Family Issues*, 39(7), 1880-190. [[link](#)]
- Smaeeli Far, N., Jayvand, H. A., Rasoli, M., & HASANI, J. (2019). A Grounded-Theory Study of the Underlying Factors of Couple Burnout. *Women Studies*, 10(27), 25-51. [[link](#)]
- Stark, E., & Hester, M. (2019). Coercive control: Update and review. *Violence against women*, 25(1), 81-104. [[link](#)]
- Stas, L., Kenny, D. A., Mayer, A., & Loeys, T. (2018). Giving dyadic data analysis away: A user-friendly app for actor–partner interdependence models. *Personal Relationships*, 25(1). [[link](#)]
- World Health Organization. (2019). *Violence against women: intimate partner and sexual violence against women: evidence brief* (No. WHO/RHR/19.16). World Health Organization. [[link](#)]
- zare baghbidi, M., etemadifard, A. (2020). Determining the Mediating Role of Communication Skills in the Relationship between alexithymia and marital burnout of divorce client Couples in Yazd. *Quarterly Social Psychology Research*, 10(38), 135-150. [[link](#)]

پیوست

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ

کاملاً موافقم	موافقم	نه موافق، نه مخالف	مخالفم	کاملاً مخالفم	جملات
					۱. من از چگونگی تصمیم‌گیری و حل تعارضاتمان راضی هستم.
					۲. من می‌توانم احساسات حقیقی خود را به همسرم ابراز کنم.
					۳. برای تمام کردن یک بحث من زود تسلیم می‌شوم.
					۴. همسرم و من همدیگر را کاملاً درک می‌کنیم.
					۵. من از ارتباطمان ناخشنودم و احساس می‌کنم همسرم من را درک نمی‌کند.
					۶. هنگامی که ما مشکل داریم اغلب از صحبت کردن درباره آن خودداری می‌کنیم.
					۷. عقاید من و همسرم در مورد حل مخالفت‌هایمان بسیار متفاوت است.
					۸. همسرم من را کاملاً درک می‌کند و با هر خلق همدردی می‌کند.
					۹. من از نحوه تقسیم مسئولیت در امور خانه راضی هستم.
					۱۰. همسرم بعضی اوقات با اظهار نظرهاش من را کوچک می‌کند.
					۱۱. موقعی که ما در مورد مشکلاتمان بحث می‌کنیم همسرم نظرات و عقاید مرا درک می‌کند.
					۱۲. هر چیز جدیدی را که در مورد همسرم کشف می‌کنم خوشایند من است
					۱۳. من به خاطر بعضی از ویژگی‌های شخصیتی یا عادت‌های فردی همسرم ناخشنودم.
					۱۴. ای کاش همسرم بیشتر مایل بود که احساساتش را با من در میان بگذارد.
					۱۵. حتی در طی اختلاف سلیقه‌ها من می‌توانم احساسات و عقاید خود را با همسرم در میان بگذارم.
					۱۶. من هرگز از رابطه با همسر خود پشیمان نشده‌ام.
					۱۷. من از نحوه انجام سرگرمی‌ها و فعالیت‌های مشترکمان راضی هستم.
					۱۸. گاهی اوقات برای من مشکل است درونی‌ام را از همسرم بخواهم.
					۱۹. ما بعضی اوقات نزاع جدی سر مسائل بی‌اهمیت داریم.
					۲۰. همسرم تمام کیفیت‌هایی که من همیشه می‌خواستم در همسرم باشد را دارد.
					۲۱. من در مورد وضعیت مالی و نحوه تصمیم‌گیری در مسائل اقتصادی ناراضی هستم.

								۱۱. به دام افتادن
								۱۲. بی ارزش بودن
								۱۳. بی چیز بودن، چیزی برای بخشیدن نداشتن
								۱۴. گرفتار مشکل شدن
								۱۵. احساس خشم و سرخوردگی درباره همسر
								۱۶. ضعف و اختلالات خواب
								۱۷. ناامیدی
								۱۸. طرد شدن از طرف همسر
								۱۹. خوشبین بودن
								۲۰. پرانرژی بودن
								۲۱. اضطراب

پرسشنامه رفتارهای کنترل‌گرایانه کوان و آرچر

انجام این کار توسط من / همسر					عبارات
همیشه	اغلب	بعضی اوقات	بندرت	هرگز	
					۱. سخت کردن شرایط کار کردن یا درس خواندن
					۲. کنترل کردن پول دیگری
					۳. مخفی نگه داشتن مسائل مالی خود
					۴. امتناع از پرداخت سهم مالی / پرداخت سهم منصفانه
					۵. تهدید به آسیب رساندن به دیگری
					۶. تهدید به ترک رابطه
					۷. تهدید و آسیب رساندن به خود
					۸. تهدید به فاش کردن اطلاعات زبان‌بار یا خجالت‌آور
					۹. تلاش برای مجبور کردن دیگری به انجام کاری که وی نمی‌خواهد
					۱۰. استفاده از نگاه و اطوار زننده برای اینکه طرف مقابل احساس بد بودن یا حماقت کند
					۱۱. شکستن لوازم دیگری هنگام دلخوری / عصبانیت
					۱۲. با دوستان یا اقوام طرف مقابل رفتار زننده و بی‌ادبانه داشتن
					۱۳. خالی کردن خشم بر روی حیوانات خانگی
					۱۴. سعی در سر جا نشان دادن دیگری هنگام جوگیر شدن
					۱۵. لو دادن دیگری پیش همه
					۱۶. گفتن اینکه شما عصبانی شده بودید به طرف مقابل

					۱۷. گفتن اینکه شما دروغ گفته بودید یا اشتباه کرده بودید به طرف مقابل
					۱۸. صدا کردن دیگری با اسامی ناخوشایند
					۱۹. تلاش برای محدود کردن زمانی که دیگری با خانواده یا دوستانش می‌گذرانند
					۲۰. تمایل به دانستن اینکه دیگری کجا می‌رود و با چه کسانی صحبت می‌کند، در زمانی که باهم نیستید
					۲۱. سعی در محدود کردن فعالیت‌های خارج از رابطه که طرف مقابل در آن‌ها شرکت دارد
					۲۲. مشکوکانه و حاسدانه در مورد دیگری رفتار کردن
					۲۳. بررسی کردن حرکات دیگری
					۲۴. سعی در برانگیختن حسادت طرف مقابل
					(سؤالات ۲۵ تا ۲۹ برای پاسخ‌دهندگانی که دارای فرزند هستند، است)
					۲۵. برانگیختن احساس بد طرف مقابل در مورد بچه‌ها
					۲۶. استفاده از کودکان برای رساندن پیام، زمانی که نمی‌خواهید با یکدیگر صحبت کنید
					۲۷. تهدید گرفتن بچه از دیگری
					۲۸. بحث در مقابل بچه‌ها
					۲۹. زدن، هل دادن یا لگد زدن به دیگری در مقابل بچه‌ها
